

نقش آموزه های دینی در پیشگیری از جرایم اجتماعی با تأکید بر فتاوی علمای شیعه و سنی

علیرضا غلامی^۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۱۰

چکیده:

دین به خودی خود تأثیری در پیشگیری از وقوع جرم ندارد، در واقع این «دینداری» است که در «پیشگیری از وقوع جرم» تأثیر گذار است. تفکیک دین و دینداری از هم سبب رشد و افزایش جرایم اجتماعی شده است. دین به عنوان واقعیت خارجی تازمانی که در سطح دولتی و حاکمیتی، فردی و اجتماعی پیاده نشود هیچ تأثیری در پیشگیری نخواهد داشت و با گفتن حاکمیت معنوی مشکل حل نمی شود و تنها با پیاده شدن احکام دین مبین اسلام می توان، مشکلات را یکی پس از دیگری مرتفع ساخت.

به ظاهر دین حلقه های متفاوتی دارد ولی در نهایت از روحی واحد برخوردار است. دین به عنوان نظامی که از سوی خداوند در قالب کتاب و سنت نازل شده است، معیارها و هنجارهایی برای «اندیشه»، «احساس» و «عمل» دارد. هنجارهای دینی در جامعه دینی که اکثریت آن را دینداران تشکیل داده اند، تا اندازه ای زیاد با «هنجارهای اجتماعی» مطابقت داشته و تخلف از آن به عنوان انحراف اجتماعی تلقی می شود.

با پذیرش شأن هدایت گری دین از یک سو و اهمیت هدایت در رعایت هنجارهای دینی از سوی دیگر، ناگزیر باید پذیرفت که دین نمی تواند دغدغه رعایت هنجارهای دینی (خواه هنجارهای دینی اجتماعی و خواه غیر اجتماعی) از سوی مردم را نداشته باشد و درصدد مقابله با تخلف از آن هنجارها بر نیاید. در واقع، موضع بی تفاوتی قابل شدن برای دین در مبارزه با انحرافات، به منزله در نظر نگرفتن شأن هدایت گری دین است.

در این مقاله ابتدا مطالبی چند پیرامون چیستی جرم؟ جرم انگاری، مراحل جرم انگاری در روش پالایش، جرم و جرم انگاری در حقوق کیفری اسلام، انواع جرم از منظر اجتماعی، بیان می شود. سپس علل و عوامل بروز جرم شامل دیدگاه های جرم شناسان درباره نقش دین و تأثیر آن در جلوگیری از جرایم (نظریه های موافق و مخالف)، انسان از نگاه دین، فرایند نهادینه شدن ارزش های انسانی، راه کارهای اعتقادی (ایمان به خدا و ایمان به قیامت)، عبادی، اجتماعی، مجازات به عنوان درمان و مقولات اخلاقی، مذهب درمانی از جنبه های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. آن گاه با بیان فتاوی علمای شیعه و سنی در باره مواد مخدر، مصرف و استعمال آن، شماری از آیات قرآن کریم، احادیث و روایات معتبر از زبان بزرگان و علمای دین نقل شده است.

واژگان کلیدی: آموزه های دینی، جرایم اجتماعی، پیشگیری از جرایم، مواد مخدر، سوء مصرف مواد مخدر.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع) و کارشناس دفتر تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه و بودجه ناجا
ALIRGHOLAMY@gmail.com

مقدمه

پذیرش اصل مقدم بودن پیشگیری^۱ بر درمان، سیاست‌های قضایی و کیفری را بر آن داشته است تا با گزینش شیوه‌های نوین و کارآمد افراد را از ارتکاب جرم^۲ و بزه باز دارند و با کاهش نرخ تکرار جرم، جمعیت کیفری را محدود کنند. پیشگیری از جرایم امر مستحدثی نیست که بشر به تازگی با آن آشنا شده باشد، بلکه از اموری است که از بدو خلقت انسان وجود داشته و آدمی همواره به دنبال راهی برای رهایی از آن بوده است. مهم‌ترین شیوه برای کاهش پرونده‌های احاله شده به دادگستری‌ها، حاکی از توجه روز افزون به بُعد پیشگیرانه‌ی رفتارها و سیاست‌هاست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشگیری از وقوع جرم را از جمله وظایف قوه‌ی قضاییه شمرده است. این امر در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی مطرح شده است.

مطابق با قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» در عرض و منفک از «کشف جرم، تعقیب، مجازات، تعزیر مجرمین، اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» است. علی‌رغم این که تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند ولی متأسفانه این امر در سال‌های گذشته چندان مورد توجه قرار نگرفته و قوه‌ی قضاییه خود را جز در پیشگیری‌های کیفری مسوول نمی‌دانسته است. به نظر می‌رسد که اولین شیوه‌های پیشگیری بر بالا بردن هزینه‌ی کیفری و افزایش مجازات‌ها مبتنی بوده است. در این شیوه‌ها با شدت بخشیدن و خشونت شدید، از طریق ارعاب و عبرت آموزی سعی بر کنترل جرم در جامعه داشته‌اند.

متأسفانه نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران از مدل جامعی برخوردار نبوده، از این رو مدل کیفری موجود با توجه به نوع جرایم، بزه‌کاران، بزه‌دیدگان به وجود آمده است. در جمهوری اسلامی ایران، مدل موجود در پیشگیری، کنترل و سرکوب بزه‌کاران است که در این مدل روش‌های رایج در جهت سرکوب جرم از قبیل اجرای علنی مجازات، گرداندن متهمان در ملاء عام، حبس‌های طویل‌المدت و اعلام اسامی مفسدان اقتصادی که مدل غالب در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران است، به کار گرفته می‌شود.

1. Prevention
2. Crime

در جامعه با پیشگیری زودرس، وضعی و اجتماعی مواجه هستیم. مدل پیشگیری از وقوع جرم امکان مشارکت تمام نهادهای دولتی و غیردولتی را در مقابل جرم فراهم می کند که از مزیت های این مدل است. کنشی و واکنشی بودن را از دیگر مزیت های مدل پیشگیری از وقوع جرم است. کاهش هزینه های مادی و معنوی جرم، جلوگیری از گسترده شدن پلیس و دستگاه قضایی، مدیریت جرم و فراهم کردن امکان هم زمانی با دیگر مدل ها از دیگر مزیت های مدل پیشگیری از وقوع جرم است (شیری، ۱۳۸۷).

چیستی جرم؟

در حقوق کیفری، جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده است. پرسش اساسی در مورد این تعریف این است که یک رفتار (اعم از فعل یا ترک فعل) برای جرم تلقی شدن و موضوع برخورد کیفری قرار گرفتن مرتکب آن باید دارای چه ویژگی هایی باشد و اینکه ماهیت جرم چیست و چه تفاوتی با رفتارهای غیرمجرمانه دارد که مقنن توسل به ضمانت اجرای کیفری را برای منع و برخورد با آن ضروری می داند؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال باید به تعریف غیرحقوقی (فراحقوقی) جرم پرداختیم (رسولی آذر، ۱۳۸۹).

در نوشته های علوم جرم شناسانه و اجتماعی، جرم اغلب برای اشاره به رفتاری به کار می رود که صرف نظر از میزان قرار گرفتن آن در صلاحیت رسمی نظام کیفری؛ سرشتی نامطلوب در آن چارچوب دارد، این مفهوم گاه به رفتاری محدود می شود که به شدت نامطلوب است ولی گاه نیز چنین نیست (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۴، ص ۱۵). گفتی است چون مفهوم «مطلوب» و «نامطلوب» بودن یا «هنجار» و «ناهنجار» بودن رفتارها با توجه به علائق، وابستگی ها و جهان بینی خاص افراد و جوامع، در زمان ها و مکان های مختلف متفاوت است مفهوم جرم نیز غیر قطعی و متغیر می باشد (وایت و هنیس، ۱۳۸۱، ص ۱۹) بر همین مبنا برداشت ها و استنباط های گوناگونی مبتنی بر قانون، اخلاق، آسیب اجتماعی، حقوق طبیعی، ضد اجتماعی بودن و... در مورد مفهوم جرم وجود دارد (همان منبع، ۱۳۸۱، صص ۲۱-۲۰).

جرم انگاری

جرم انگاری^۱ فرایندی است که به موجب آن قانون گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می کند بر این اساس، جرم انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیر ساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است (آقابابایی، ۱۳۸۴، صص ۵ و ۱۲-۱۱).

۱-۲- مراحل جرم انگاری در روش پالایش: اگر بپذیریم که اصل بر آزادی انسان است و اعمال محدودیت از طریق جرم انگاری، استثناء محسوب می‌شود باز اثبات ضرورت وجود محدودیت بر عهده کسانی است که قصد محدود کردن آزادی‌های افراد را از طریق جرم انگاری دارند. جانائان شنشک^۱ با تأسیس روش پالایش در فرایند تصمیم‌گیری راجع به جرم انگاری، ورود یک رفتار به سیاهه قوانین کیفری را مستلزم عبور از سه مرحله یا فیلتر می‌داند (حبیب‌زاده، وزینالی، ۱۳۸۴، ص ۴).

۱-۱-۲- فیلتر اصول: براساس این فیلتر، در وهله اول باید ثابت شود که رفتار براساس یک سری اصول نظری راجع به جرم انگاری (مثلا اصل صدمه) وارد حوزه جرایم می‌شود.
۱-۲-۲- فیلتر پیش فرض‌ها: این فیلتر روش‌هایی که واجد کم‌ترین مزاحمت برای فرد است و کم‌تر جنبه آمرانه دارد نسبت به روش‌هایی که مزاحمت بیشتری را برای آن فراهم می‌نمایند ارجح هستند بدین سان، حکومت باید تنها هنگامی به جرم انگاری یک رفتار متوسل شود که بتواند با دلایل قطعی و یقینی ثابت کند که جزء مجازات راه‌حل دیگری برای جلوگیری از آن وجود ندارد.

۳-۱-۲- فیلتر کارکردها: در این فیلتر عواقب عملی جرم انگاری رفتار، مورد بررسی قرار می‌گیرد تصویب و اجرای قوانین موضوعه کیفری، پیامدهای عملی در پی دارد. بنابراین باید سود و زیان اجتماعی و اجراء و عدم اجرای قانون کیفری پیشنهادی را ارزیابی و سبک و سنگین کرد (همان منبع، ۱۳۸۴، ص ۵) و در صورت فزونی فواید، رفتاری را جرم تلقی کرد و گرنه مداخله کیفری بیش از آن که سودمند باشد زیان بار خواهد بود. کیفر بیش از آن که سودمند باشد زیان بار خواهد بود و به قول فاینبرگ^۲ «با توجه به هزینه‌های ذاتی جرم انگاری هنگامی که محدودیت‌های قانونی به نقض مشروعیت‌های اخلاقی منجر شود این امر خود یک جرم اخلاقی است» (محمودی جانکی، ۱۳۸۶، ص ۹۱).

انواع جرم از حیث ماهیت آن

تعریف جرم از دیدگاه موازین مختلف علمی متغیر می‌باشد و هر علم جرم نسبت به اصول عملی و تئوری خود تعریفی را از جرم ارائه می‌دهد. اما در این مبحث جرم را از دیدگاه قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ماده ۲ ق.م.ا در این باب مقرر می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد» از این دیدگاه ترتیب ارکان مجرمانه به این ترتیب واقع می‌شود که عبارت از: رکن مادی، رکن قانونی، رکن معنوی.

چرا که ابتدا مباشر جرم باید مرتکب عملی گردد و بعد در صورت لزوم ابتدا آن فعل مادی

1. filtering
2. Jonathon schonsheek
3. feynberg

را با موازین قانونی در نظر می گیرند و در صورت جرم دانستن و صدور قرار مجرمیت نوبت به مرحله تفکیک و بررسی رکن معنوی آن می رسد. در این بحث به انواع جرم می پردازیم (عباسی، ۱۳۸۵).

۱ - ۳ - انواع جرم از منظر اجتماعی: در چارچوب کلی نظام اجتماعی جرم را به انواع خود می توان تقسیم نمود: جرایم حدی، جرایم مخل نظم عمومی، جرایم مضر به نفع شخصی، جرایم مختلط و تخلف.

۱ - ۱ - ۳ - جرایم حدی: در جرایم حدی که مستوجب مجازات حدی است که در آن بیشتر جنبه تدین و تقدس به موازین فقهی اسلام مد نظر است. در جمهوری اسلامی ایران، مسلمانان پای بند به احکام الهی می باشند، از این رو کلیه دستورات و احکامی که سوی خداوند حکیم و دانا وضع گردیده، همه مسلمانان مکلف به رعایت آن می باشند. مثل: زنا، لواط، قوادی و امثالهم (بند اول م ۲ ق ۱ ا. د. ک).

۲ - ۱ - ۳ - جرایم مخل نظم عمومی: جرایم مخل نظم عمومی عبارت از آن است که مباشر مرتکب فعل و عملی مجرمانه می گردد که برای نظم و هنجارهای اساسی اجتماع مضر و ناپسند است و در مرحله شدید تر آن ممکن است موجب بر اندازی آن نظام اجتماعی شود. مثل: جاسوسی، محاربه، قتل امثال مشابه (بند ۲ م ۲ ق ۱ ا. د. ک).

۳ - ۱ - ۳ - جرایم مضر نفع شخصی: در این نوع جرایم بیشتر جنبه شخصی بودن آن مطرح است بدین جهت که هر شخص باید مصون از تعرض دیگران باشد و هر شخص باید از امنیت فردی و اجتماعی برخوردار باشد. پیگیری این نوع جرایم فقط با شکایت شاکی خصوصی مطرح و با رضایت آن موضوع منتفی است. مثل: ضرب و شتم، فحاشی و غیره (بند ۳ م ۲ ق ۱ ا. د. ک).

۴ - ۱ - ۳ - جرایم مختلط: این نوع جرایم معمولاً ارکان مختلف را داراست به طوری که هم جنبه عمومی دارد هم جنبه شخصی؛ جنبه الهی دارد و اجتماعی یا دارای هر سه جهت مجرمانه می باشد. سرقت حدی، محاربه و... (تبصره ۲ م ۲ ق ۱ ا. د. ک).

۵ - ۱ - ۳ - تخلف: تخلف نوع بسیار خفیف تری نسبت به مابقی جرایم را داراست و در واقع برزخی است ما بین نظم عمومی و ضرر به شخص ثالث: مثل جرایم راهنمایی و رانندگی، جرایم علیه محیط زیست. زیرا اولاً جرم است چرا که دارای رکن قانونی است، دارای جنبه الهی است اما در مرحله بسیار ضعیف و خفیف تا حدی که نمی توان چنین شخص را محارب یا کافر به خدا دانست و دارای ضرر شخصی است اما قابل اغماض و در مرحله بسیار خفیف.

علل و عوامل بروز جرم

همه مذاهب و ادیان الهی، انسان ها را به درستی، راستی، فلاح و رستگاری دنیوی و اخروی فرا خوانده اند. به تعبیری شاید بتوان گفت که علت انتخاب پیامبران الهی، نزول وحی و نیز دستورات

دینی، نجات انسان‌ها از رذایل اخلاقی و منع آن‌ها از کارهای زشت و نامناسب و تشویق مردم به ایمان و نیکوکاری بوده است.

۵- دیدگاه‌های جرم‌شناسان در باره نقش دین و تأثیر آن در جلوگیری از جرایم

۵-۱- برخی از جرم‌شناسان^۱ معتقدند که عناصر سه گانه «عقل»، «دستاوردهای علمی» و «وجدان اخلاقی»، برای ایجاد نظم عمومی و تعیین حدود و اختیارات افراد و نحوه مناسبات آن‌ها و کاهش جرم کافی است و هیچ نیازی به مذهب نیست و اصلاً مذهب توانایی انجام آن را ندارد (حکمت، ۱۳۷۱، ص ۲۲).

۵-۲- برخی دیگر از جرم‌شناسان که اکثریت را تشکیل می‌دهند معتقدند که مبانی اعتقادی، احکام تکلیفی فقهی و اصول اخلاقی دینی بهترین عوامل بازدارنده از انحراف، بزهکاری^۲ و تباهی است (کی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۲۴۳).

جرم‌شناسان درباره عواملی که از پیش در تشکیل شخصیت بزهکار^۳ تأثیر دارد پس از مطالعات و تحقیقات گسترده در نهایت به تأثیر دو دسته عوامل فردی یا درون‌زا و عوامل محیطی یا بیرون‌زا اعتقاد پیدا کردند.

۵-۲-۱- عوامل فردی یا درون‌زا: جرم‌شناسان عوامل وراثتی و روانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. اسلام هم به عنوان دین مترقی و آخرین دین آسمانی به نقش وراثت و اهمیت آن در شکل‌گیری ساختار شخصیتی افراد به دور از اعتقاد به اصالت و یا عدم تأثیرگذاری آن، توجه داشته و آن را زمینه بسیاری از سعادت‌ها و شقاوت‌ها معرفی کرده است. در روزگاری که بشر اطلاعات چندانی از زیست‌شناسی، علم ژنتیک، توارث، چگونگی پیدایش جنین و انتقال خصوصیات والدین به نسل جدید را نداشت معارف وحیانی و ربوبی اسلام با لسان آیات و روایات و تعابیر بسیار ساده و روان، اذهان اندیشمندان را به سوی موضوعات مهمی در این باره رهنمون می‌ساخت.

۵-۲-۲- عوامل محیطی یا بیرون‌زا: جرم‌شناسان، عوامل محیطی یا بیرون‌زا را با استفاده از مقیاس‌های متفاوتی تقسیم‌بندی کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان محیط طبیعی یا جغرافیایی، محیط اجتماعی عمومی، محیط اجتماعی شخصی، محیط اجتناب‌ناپذیر، محیط اتفاقی و محیط انتخابی را نام برد. مذهب که ریشه در فطرت انسان دارد با توجه به تمام تقسیمات عوامل محیطی، رهنمودهایی ارائه داده است که اولاً جنبه پیشگیری دارد و ثانیاً اگر کسی به هر دلیل، از وقوع جرم جلوگیری نکرد باید به روش‌های درمانی دین مبین اسلام پناه ببرد.

برای مثال در بُعد پیشگیری چون خانواده نقش فوق‌العاده‌ای در شکل‌گیری شخصیت بزهکار و مجرم ایفاء می‌کند به گونه‌ای که پژوهش‌های متعدد ثابت کرده است وقتی فساد موجب

1. Criminologists
2. Delinquency
3. Criminal

بروز اختلال در عمل طبیعی خانواده نسبت به طفل شود پس از مدتی شاهد بروز بزهکاری خواهیم بود. قابل ذکر است که عامل مزبور می تواند به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل گیری شخصیت کودک مجرم، تأثیر بگذارد اما در بیشتر موارد نفوذ جرم زایی خانواده به نحوی غیرمستقیم بر کودک اعمال می شود، از این رو اسلام نقش خانواده را در به وجود آمدن یا نیامدن تبهکاری و انحراف در حالات و مراحل متفاوت بسیار مهم دانسته و توصیه های پیشگیرانه متعدد و ارزشمندی را به پیروان خود و سایر افراد بشریت برای بهسازی نسل آینده بیان کرده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۷).

نقش عامل رأفت خانوادگی، عدم انحرافات اخلاقی و منکرات در والدین، عدم وجود موانع تربیت صحیح و وجود خلق نیک در والدین یا تأثیر بی مهری والدین بر بزهکاری فرزندان خردسال و بزرگسالان، ابتلای والدین به مسکرات و میگساری و... کیفیت برقراری ارتباط جنسی آن ها حتی نگاه های آن ها به یکدیگر، تأثیر مسکن و جایگاه زندگی و روابط تنگاتنگ آن ها بین اعضای خانواده همه و همه در صالح یا ناصالح شدن فرزندان مؤثر است و دین مبین اسلام برای تمامی این موضوعات و مراحل و مراتب آن ها دستورالعمل هایی داده است که پای بندی به آن ها سد محکمی در برابر ارتکاب جرم است.

توبه، انابه، راز و نیاز به قاضی الحاجات و اعتراف به گناه فقط در برابر او، رهنمودهای تأدیبی و تربیتی و مجازاتی که در باب حدود و دیات و قصاص^۱ در احکام منور دین مبین اسلام آمده است. هر یک به جای خود در عین پیشگیری برای بعضی، حکم درمان علت و مرض، جرم و گناه را دارند. احکام و مقررات دین مبین اسلام به عنوان مجموعه ای منسجم و نظاممند متشکل از مسایل اعتقادی، اخلاقی، عبادی و حقوقی تنظیم یافته است از این رو با آن که برای جرمی مجازات مناسب با آن پیش بینی شده، ولی پیشاپیش مقرراتی به صورت «بهداشت جنایی» مقرر کرده، تا با رعایت آن، انگیزه، علل و علل ارتکاب جرم تقلیل یافته و ارتکاب به حداقل رسیده یا نابود شود.

۶. انسان از نگاه دین

خواسته های انسان به لحاظ معنوی و مادی نامحدود بوده و در هر دو سطح عالی و ذاتی قابلیت صعود و نزول را دارد، از یک سو موجودی است آرمان خواه و کمال جو، و از سویی دیگر زندگی پایین تر از زیست حیوانی را می پذیرد.

در دیدگاه اسلامی، انسان رو بنا نیست و زندگی او با نباتات و حیوانات فرق اساسی دارد منتهی سیر تکاملی انسان از مسایل مادی و نیازهای فیزیکی آغاز شده و با حرکت تکاملی جوهری، قوای روحانی او فعال شده تا جایی که از محکومیت محیط بیرونی و درونی خود وارسته گردیده و فردی مؤمن و معتقد و غنی النفس می گردد. نطفه جامعه بشری بیشتر با نهادهای اقتصادی بسته می شود، جنبه های فرهنگی و معنوی جامعه به منزله روح جامعه است، همان طور که میان جسم

و روح انسان تعامل و تقابل وجود دارد، میان روح جامعه و مسایل اقتصادی تعامل و تقابل وجود دارد، انسان از مسایل مادی و اقتصادی مستقل نیست، مگر این که روح انسانی و ایمانی او این استقلال را پیدا نماید. انسان و جامعه سالم، مجموعه ای است که خودش درباره خود تصمیم می گیرد و سرنوشت نهایی خویش را تبیین می نماید در سایه تعالیم الهی و پرتو عالم، جهان را مسخر خویش کند، انسان دارای ارزش های زیر است:

انسان خلیفه خدا در روی زمین است (سوره بقره، آیه ۳۰).
ظرفیت فکری و عملی انسان بزرگ ترین ظرفیت هایی است که یک مخلوق می تواند داشته باشد (سوره بقره، آیات ۳۳-۳۱).

انسان فطرتی خدا آشنا دارد، به خدای خویش در عمق وجدان خویش آگاهی دارد، همه انکارها و تردیدها، بیماری ها و انحراف هایی است از سرشت اصلی انسان نشأت می گیرد (سوره اعراف، آیه ۱۷۲).

در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جمادات و گیاهان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد، انسان ترکیبی است از طبیعت و ماوراء طبیعت، از ماده و معنی، از جسم و جان (سوره سجده).

آفرینش انسان، آفرینش حساب شده است، تصادفی نیست، انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است. لذا قوانین اجتماعی باید مطابق با فطرت و ویژگی های برگزیدگی او وضع شوند و همه انسان ها در مقابل این قوانین یکسان باشند (سوره طه، آیه ۱۲۱).

انسان شخصیتی مستقل و آزاد دارد، امانتدار خداست، رسالت و مسوولیت دارد، از او خواسته شده است که با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند (سوره احزاب، آیه ۷۲).

انسان از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است، خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است، او آن گاه خویشتن واقعی خود را درک می کند، که این کرامت و شرافت را در خود درک کند و خود را بهتر از پستی ها و دنائت ها و اسارت ها و شهوت رانی ها می شمارد (سوره اسراء، آیه ۷).

انسان از وجدانی اخلاقی برخوردار است به حکم الهامی فطرت، زشت و زیبا را درک می کند (سوره شمس، آیه ۸۰).

نعمت های زمین برای انسان آفریده شده است (سوره بقره، آیه ۲۹).
خدا انسان را برای این آفریده که تنها خدای خویش را پرستش کند و فرمان او را بپذیرد، پس او وظیفه اش اطاعت امر خداست (سوره ذاریات، آیه ۵۶).

انسان جز در راه پرستش خدای خویش و جز با یاد او خود را نمی یابد و اگر خدای خویش را فراموش کند، خود را فراموش کرده است، و نمی داند که کیست؟ و برای چیست؟ و چه باید بکند و کجا باید برود؟ (سوره حشر، آیه ۱۸).

انسان تنها برای مسایل مادی کار نمی کند، یگانه محرک او حوایج مادی زندگی نیست، او حیاتیاً برای هدف‌ها و آرمان‌های بس عالی حرکت می کند، او ممکن است که از حرکت و تلاش خود جز رضای آفریننده، مطلوب دیگری نداشته باشد (سوره فجر، آیه ۲۸).

در این دیدگاه آمده است که اگر انسان در مسیر الهی، تقوی و شایستگی‌های لازم قرار نگیرد و انگیزش‌های مادی در جامعه، جای انگیزش‌های معنوی را بگیرد، تمام ارزش‌های فوق به ضد ارزش در انسان تبدیل می شود. پس او بسیار ستمگر و نادان می شود (سوره احزاب، آیه ۷۲)، او نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس می گردد (سوره حج، آیه ۲۲)، او عجول و شتابگر می گردد (سوره اسراء، آیه ۱۱)، حوادث تاریخ و انقلابات را فراموش می کند و عبرت نمی گیرد (سوره یونس، آیه ۱۲)، طغیان می کند (سوره علق، آیه ۷) و به جای سیر در اعلی علین، در سراسیمگی اسفل السافلین قرار می گیرد. در این دیدگاه آمده است که جامعه متشکل از انسان هاست که در راهبرد جنبش اعتقادی و پاکسازی فکری قرار بگیرد، حرکت جامعه تکاملی، توسعه‌ای و رشدیاب است و در این مسیر مقاصد غیر از خدا، شرک و بت پرستی، افکار التقاطی و نظایر این ها تجلی پیدا نمی کند (مطهری، ۱۳۸۲).

۷. فرایند نهادینه شدن ارزش‌های انسانی^۱

بشر از آغاز زندگی اولیه خود به این نتیجه رسید که برای تأمین نیازهای اساسی خود احتیاج به همراهی هموعان خود دارد. بنابراین به تدریج گروه‌های مختلفی بین انسان‌ها به وجود آمد که رفته رفته گسترده تر شد و باعث پیچیده شدن روابط گردید. این پیچیدگی روابط بشر را بر آن داشت که برای هر موقعیتی حد و مرزی قابل شود.

مرزها و حدود مذکور به تقسیم کار بین گروه‌های انسانی انجامید و اجتماع بشری سازمان دهی شد. بدین ترتیب می توان یک گروه اجتماعی نظم یافته (سازماندهی شده) را «سازمان اجتماعی» نام گذاری کرد. اما لازمه حیات سازمان اجتماعی تعامل متقابل اعضای آن است. برای پایداری و دوام این تعامل، اعضای سازمان اجتماعی باید الگوهای معین و شناخته شده داشته باشند. به الگوهای معین و مورد توافق برای عملکرد «هنجار» می گویند. بنابراین برای این که یک جامعه بتواند حیات خود را حفظ کند و از بی نظمی و نقصان ایمن باشد، نیاز به حفظ و بقاء ویژگی‌های بنیادی و اساسی گروه‌های اجتماعی دارد؛ که این همان حفظ هنجارها و ارزش هاست. به این ترتیب مقوله امنیت اجتماعی فرایند حفظ ارزش‌ها و هنجارها در جامعه است.

این فرایند در اجتماع از طریق «کنترل اجتماعی» به وقوع می پیوندد. «کنترل اجتماعی» عمدتاً از طریق درونی کردن یا نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارها انجام می گیرد و در مراحل بحرانی تر و پیچیده تر از طریق مجازات‌ها است. درونی کردن یا نهادینه کردن در فرایند جامعه پذیری که تأمین کننده هموایی در جامعه است از طریق نهادهای مختلف اجتماعی چون خانواده، مدرسه و... صورت می پذیرد. فرایند درونی شدن یا نهادینه شدن هنجارها و

ارزش ها نیاز به ابزاری کارآمد و روشی دقیق و منسجم دارد، تا باعث تحقق این امر یا پیشبرد سریع تر آن شود. فریضه امر به معروف و نهی از منکر که یکی از مهم ترین واجبات اجتماعی دین اسلام است، این نقش را در ایجاد و برقراری امنیت اجتماعی ایفاء می کند. این مسأله از طریق بررسی ارتباط کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر با مولفه های امنیت اجتماعی قابل اثبات می باشد (قرشی، ۱۳۸۷).

راهکارهای اعتقادی

۸-۱- ایمان به خدا: مقصود از ایمان به خدا این نیست که فقط به صورت یک نظریه علمی، همانند فلاسفه الهی، جهانی را مخلوق آفریدگار دانا و با اراده بدانیم و به گروه الهیون پیوندیم و تئوری فلاسفه مادی را باطل و مردود بشناسیم؛ بلکه مقصود باور داشتن خداوندی است که مالک واقعی انسان و جهان است و یگانه معبود شایسته پرستش. خداوندی که سمیع و بصیر است گفته های مردم را می شنود، کارهای آن ها را می بیند و به تمام آن چه بر آنان می گذرد بینا و آگاه است. خداوندی که بر همه انسان ها احاطه کامل دارد و در تمام لحظات، مراقب حرکات و سکنت آنان است و بر کلیه واقعیت های آشکار و پنهانشان واقف است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۷). بشر از آن جهت که در اندیشه کمال مطلق است و خواسته های بی نهایت دارد؛ مادیات محدود نه تنها پاسخ گوی تمنیات نامحدود او نیست، بلکه با نیل به لذت ها و نعمت های مادی و دست یافتن به ثروت ها و مقامات دنیوی - که بعضاً عواقب سوئی به دنبال دارد و او را آلوده به گناه می کند - سیر و دل زده می شود و هم چنان به جست و جوی بی نهایت می رود تا خواهش نامحدود خویش را اقیاع نماید و به ضمیر ناآرام خود تسکین بخشد این هدف عالی جز با یاد خداوندی که کامل مطلق و واجد تمام کمال است دست یافتنی نیست. در یک جمله جوابگوی مطلق خواهش های بشر فقط خداست.

آندره لالاند^۱ (۲۰۰۹) می گوید: مذهب نظام احساسات و اعتقادات و اعمالی است که هدفشان خداوند است (ناس، ترجمه علی اصغر حکمت، ۱۳۸۸، ص ۵۳). همین خداوند است که نیکی جامعه را می خواهد و رابطه جامعه با او مذهب را تشکیل می دهد.

مذهب از طرفی وجود قوای اعلا را که بشر به آن ها وابسته است اعلام می دارد و از طرف دیگر امکان برقراری رابطه با آن ها را ممکن و ضروری می شمارد (همان منبع، ۱۳۸۸، ص ۵۲). مذهب به منزله ایمان به قوای مافوق بشر است که سیر خوی و شخصیت و زندگی بشر را اداره و بازرسی می کند. انسان با ایمان چون با سراسر هستی انس و الفت دارد (سوره طه، آیه ۱۲۳) و در معیت خدا زندگی می کند (سوره محمد، آیه ۳۵) و همنشین پیامبران و صدیقان است (سوره نساء، آیه ۶۹)، به دنبال گناه نمی رود.

انسان با ایمان به عوامل آرامش زایی چون دعا و نماز مسلح است (سوره بقره، آیه ۱۵۳) با کاش و اگر زندگی نمی کند (سوره حدید، آیات ۲۳-۲۲) انسان با ایمان راضی و خشنود است هم از

خود و هم از خدای خود و هم از جهان هستی (سوره طه، آیه ۵۰). انسان با ایمان احساس عمیقی نسبت به نعمت‌های خدادادی دارد (سوره فاتحه، آیه ۲) احساس رضایت مؤمن، مصدر قوت و نیروی اوست چرا که او ایمنی درونی یافته است (سوره انعام، آیه ۸۳). مؤمن تبهکار نیست (سوره مؤمن، آیه ۲۷)، بی وجدان نیست (سوره ملک، آیه ۱۳)، بی تحمل نیست (سوره بقره، آیه ۴۵)، ناامید نیست (سوره حجر، آیه ۵۶)، نمی ترسد (سوره احزاب، آیه ۳۹). مؤمن به واسطه ایمانش ینشی نسبت به جهان، فرمانروایان جهان و حقوق جهانیان پیدا می کند که برای او در زندگی کارساز و وی را به سوی انسانی کامل سوق می دهد این طرز تفکر که براساس آگاهی و باور حقیقی است مؤمن را در اجتماع امین می کند به طوری که دیگران در پرتو امنیت او زندگی می کنند و این نقش مؤثر مثبت مذهب است.

۸-۲ - ایمان به قیامت: مقصود از ایمان به عالم آخرت در مذاهب خصوصاً اسلام، این نیست که ما فقط به بقای روح بعد از مرگ معتقد باشیم و نظریه فلسفه مادی را که نافی روح مجردند نادرست بدانیم. بلکه مقصود باور داشتن روز قیامت و ایمان به ثواب و عقاب الهی است. باور داشتن روزی که مردم به فرمان حق زنده می شوند و در محکمه عدل الهی حضور بهم می رسانند. باور داشتن روزی که پرونده عمل هر کس پیش رویش گشوده می شود و مشاهده می کند تمام کارهای روا و ناروا و کلیه اعمال کوچک و بزرگی که در طول عمر دنیایی خود انجام داده در آن ثبت شده است (سوره کهف، آیه ۴۹).

مؤمنی که به روز جزا اعتقاد دارد در مهار کردن غرایز، اندازه گیری تمایلات و اجتناب از جرایم و گناهان از غیر مؤمن به قیامت به مراتب موفق تر است چرا که وقتی کسی به عالم آخرت یقین داشته و خود را در پیشگاه الهی مواخذه و مسوول دید همواره مراقب اعمال خویش است و نیازی به مراقبت پلیس و ترس از قوانین جزایی ندارد. پنهان و آشکارش یکسان است همیشه و همه جا حقوق و حدود مردم را برای خدا رعایت می کند دنبال گناه و معصیت نمی رود و به انگیزه دینی، کوشش دارد که از مرز حق و عدالت قدمی فراتر نگذارد.

راهکارهای عبادی^۱

در برابر اصول مذهب، فروعاتی قرار دارند که حکم فریضه بر آن‌ها جاری است این فروعات اگرچه در برابر اصولند اما از اهمیتی بالا برخوردارند به طوری که از ضروریات دین هم شمرده شده‌اند. فرایضی چون نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و.... در نگاه گسترده تر، سیر و سلوک، تفکر، تعقل، علم آموزی، فراخوانی به علوم، فنون و صنایع (دست کم به نحو واجب کفایی) و تشویق روش‌های تجربی، ایجاد فرهنگ کار و تولید، ینش دادن در مورد رابطه مادیت و معنویت، در کنار معرفی جایگاه انسانی و زیور یافتن انسان‌ها به کرامت انسانی، شرافت، عزت، قدرت و مقولاتی از این قبیل، طوری در دین جایگزین و

چینش شده‌اند که مؤمن متقی با انجام این دستورات، عنصری از درون پاک و از بیرون مفید، سازنده و مولد برای اجتماع بار خواهد آمد، باور و عمل به این آموزه‌ها نقشی مهم در کاهش جرم و بزه کاری دارد.

هر مؤمنی می‌داند که انجام واجبات و ترک محرمات روی مصالحی انجام شده است که کم‌ترین سود آن، دوری از جرایم و آلودگی‌هاست. چرا که بعضاً احکامی هستند که عنوان بهداشت جسم و روح در ماهیت آن‌ها قطعی است مشروبات الکلی و برخی مواد غذایی مضر و بیماری‌زا از قبیل گوشت خوک تحریم شده و استفاده از غذاهایی را که به طور موردی برای افراد ضرر دارند هر چند مباح باشند ممنوع شده است. از طرف دیگر به پاک‌ی ظاهری، نظافت، طهارت نفسانی چون دوری از گناه و توبه از گناهان دستور داده‌اند و مکرراً همگان را بدان سفارش کرده‌اند. مجموعه این احکام و قوانین بدون تردید در کاهش جرم و جنایات مؤثرند.

راهکارهای اجتماعی^۱

برقراری امنیت اجتماعی در هر کشوری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مسوولین و مردم آن کشور به شمار می‌آید. در این رابطه عوامل و متغیرهای تأثیر گذار متعددی دخیل و موثر هستند که هر کدام در جایگاه خود باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

۱-۱- قوانین تکامل اجتماعی

در اسلام به عنوان نمونه‌ای از مذهب، قوانینی وضع شده که با رعایت آن، زمینه‌های جرم از بین می‌رود برای مثال در رفع نیازهای مادی قوانینی مربوط به مستمندان، فقرا، مساکین و وظیفه متمکنان نسبت به آنان، بیماران، ناینبانان از پافتادگان، زمین گیران، آوارگان، در راه ماندگان، اسیران، مسافران، میهمانان، ایام، بچه‌های سرراهی، سالخوردگان، مقروضان، خسارت دیده‌ها، دیه مقتولانی که قاتلان آن‌ها شناخته نشده‌اند و یا توان پرداخت دیه ندارند، همسایگان، والدین، اقربا و افراد واجب‌النفقه از جمله افراد و گروه‌هایی هستند که قوانین مذهب برای هر کدام رهنمود خاصی دارد که اجرای آن‌ها طبعاً در پیش‌گیری بسیاری از جرم‌ها نقش اساسی دارد.

۱-۲- هزینه‌ها و بودجه‌های پیش‌بینی شده

اسلام به عنوان یک مذهب برتر، برای رفع نیاز نیازمندان، مقرراتی را به شرح زیر وضع کرده است که در کلام خدا (قرآن) و یا کلام معصومین علیهم السلام (روایات)، احکام، موارد و مصارف دقیق آن بیان شده است مقرراتی چون: زکات مال، زکات فطره، انواع کفارات (کفاره افطار روزه، کفاره قسم دروغ و تخلف از نذر و عهد، کفارات مختلف در مراسم حج، کفاره قتل و سقط جنین و مقاربت در ایام عادت زنانه، و سایر کفارات ناشی از سرپیچی از دستور الهی)، انواع انفاق‌ها و نفقات اعم از واجب و مستحب، وقف، وصیت، ثلث اموال میت، دیه جنایات بر میت، غنایم، نذورات، قربانی واجب، مستحبی (عقیقه)، خمس، خراج، ارث بلاوارث، جزیه، اموال مجهول‌المالک، انفال، احسان، قانون همسرگزینی برای مجردها، امدادهای اجتماعی

قانون عائلي (دوسهم برای متأهلان و یکم سهم برای مجردها) جریمه‌های مالی که از محکومان دریافت می‌شود، مصادره اموال کسانی که از طریق غیرمشروع، قاچاق و ربا مالک شده‌اند و سایر مالیات‌های شرعی که پرداخت آن به سهولت نیاز مسلمانان نیازمند و حتی نیازمندان غیرمسلمان را مرتفع می‌کند و در عین حال از انباشت ثروت پیشگیری کرده از جهات عدیده زمینه‌های جرم را از بین می‌برد.

مجازات به عنوان درمان

مجازات‌های جایگزین اگر چه شاید از نگاه برخی جرم‌شناسان و کارشناسان هنوز نهادینه نشده باشد، اما استفاده از آن در پاره‌ای از موارد، به ویژه از سوی قضات دادسراها و دادگاه‌های رسیدگی کننده به جرایم اطفال و نوجوانان، نشانگر تأثیر مثبت این حرکت جدید قضایی بر بزه‌کاران نوجوان جامعه است.

به کارگیری چنین روش‌هایی علاوه بر این که فرصت دوباره‌ای به مجرمان برای بازگشت به زندگی و تصحیح رفتارشان می‌دهد، الگو و روش صحیح برخورد با مجرمانی که قابلیت بازگشت سریع به جامعه دارند را نیز فراهم می‌کند، اما در میان تمام مجرمان، اطفال و نوجوانان به لحاظ شرایط سنی و آینده‌ای که در پیش رو دارند، از وضعیت حساس تری برخوردارند که به عقیده بسیاری از روان‌شناسان و حقوق‌دانان نیازمند توجه ویژه دستگاه‌های قضایی و اجرایی و نیز اعمال راه کارهای جدید از جمله استفاده از مجازات جایگزین حبس هستند (مظفری، ۱۳۸۹).

مقولات اخلاقی

اساس و پایه همه مذاهب الهی بر دوستی و مهربانی، رحمت، مدارا و... استوار بوده است. پیامبران الهی، همیشه، بر آن بوده‌اند که صفات اخلاقی چون رحمت، مهربانی، مهرورزی، صلح، صمیمیت، آرامش و... در جامعه گسترش یابد. برای مثال در آموزه‌های دینی اسلام، مسلمانان از خشونت در روابط اجتماعی به هر شکلی بازداشته و به رحمت، (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۷۲) عفو و گذشت و مدارا دعوت شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱۳، ص ۲۹۴). در آیات و روایات از دروغ، حسد، بخل، تهمت، تحقیر دیگران و تمسخر آن‌ها، اهانت مؤمنان، آزار و اذیت مردم، ترسانیدن و خودبینی و خودپسندی و تکبر نهی شده است (سوره حجرات، آیات ۱۲-۹).

رعایت مسایل اخلاقی، محیط جامعه را سالم می‌کند. وقتی اخلاق پشوانه‌ای چون مذهب داشته باشد قوت ضمانت اجرایی آن بالا رفته و به مراتب از بروز و ظهور گناهان جلوگیری کرده و سهم به سزایی در کاهش جرایم خواهد داشت. اخلاق‌مداری و آخرت‌گرایی به عنوان دو مؤلفه‌ی اساسی دین‌داری، می‌توانند به کاهش دعاوی کیفری بینجامند. اخلاق‌مداری و تقوی، فرد را از تعدی به حقوق دیگران باز می‌دارد و او را فردی اجتماعی و خیرخواه جامعه می‌گرداند. از سوی دیگر اعتقاد به سرای عقبی، انسان را از اندیشه‌ی انتقام‌گیری باز می‌دارد.

انسان دیندار، با اعتقاد به این که مجازات واقعی گناهان در آخرت خواهد بود و در آن دنیا ظالمان را مفری نخواهد بود، به جای جزع و فزع در قبال حق کشی ها به آینده امیدوار خواهد بود. اعتقاد به عفو و بخشش به جای عصیان و انتقام نیز از آموزه های دین است که به وفور از آن سخن به میان آمده است (مفتاح، ۱۳۸۷).

مذهب درمانی

اصولی که اسلام جهت درمان معتاد مفید می داند عبارتند از:

۱-۱۳ - **اصل پذیرش:** در مکتب اسلام بالاترین خطا و گناه که همان شرک به خدا می باشد در صورت بازگشت و شناخت ذات یکتای خداوند قابل بخشش می باشد و هیچ کس مأیوس از رحمت خداوند نیست و شخص معتاد نیز زمانی که جهت درمان پناه به مرجع ذی صلاحی آورد به هیچ عنوان طرد نمی شود.

۲-۱۳ - **اصل حمایت:** اسلام به پیروان خود دستور می دهد زمانی که شخص ولو غیرمسلمان به قصد کمک گرفتن به تورجوع کرد دست رد به سینه او زده نشود بلکه حتی حمایت از افراد ضعیف و مستضعف علامت ایمان افراد برشمرده شده و کسی که در فکر این موضوع نباشد مسلمان نمی باشد لذا معتاد نه تنها پذیرفته می شود بلکه از نظر درمان حمایت هم می شود.

۳-۱۳ - **اصل بازگشت به اصل خویش:** شخص راهنما که خود مسلمان دلسوزی است سعی خواهد نمود او را با ارزش های انسانی اش آشنا کند و جایگاه انسان را در روی زمین به وی نشان دهد و مقام انسان و عزت همیشگی او را در پرتو گرایش به مذهب به وی گوشزد می کند و نیز سعی خواهد کرد در او میل و ترغیب به بازگشت به اصل خویش را ایجاد کند.

۴-۱۳ - **اصل تصمیم و اراده:** در اسلام حتی نیت و تصمیم شخص چنان چه مثبت باشد اجرو پاداش در پی دارد و لذا زمانی که هر معتاد اراده و تصمیم به ترک گرفت همان لحظه گرایش به سمت جاده سلامتی و در مسیر صحیح قرار گرفتن آغاز می شود لذا اسلام سعی دارد زمانی که معتاد تصمیم و اراده به ترک گرفت، او را مورد حمایت مادی و معنوی و تشویق قرار دهد و بر تقویت این تصمیم و اراده بیفزاید تا به عنوان یک هدف مهم آن را دنبال کند زیرا اساس مذهب رشد و شکوفایی است. (قدتین الرشد من الغی...) (سوره بقره، آیه ۲۵۶). لذا نیت و اراده انسان ها به سمت یک زندگی سالم بایستی مورد حمایت جامعه قرار گیرد. شخصی که تصمیم به ترک گرفته از نظر مذهب مورد حمایت است و بدیده احترام به وی نگاه می کنند.

۵-۱۳ - **اصل مراقبت:** رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «مذهب علاوه بر به کار گرفتن چهار اصل فوق اصل مراقبت را تا حصول نتیجه نهایی ارائه می دهد صله رحم، رسیدگی به خویشاوندان و حقوق همسایه از نشانه های ایمان در جامعه می باشد». لذا یک مسلمان سعی دارد در برابر افراد ناتوان و آفت های اجتماع دوباره به سراغ او نرود و دیگر همویش را به این بلیه نیز دچار نسازد. بنابراین با او معاشرت دارد، حمایت نزدیکانش را به طرف او جلب

می کند و پیوسته نگران حال او می باشد لذا مذهب به مثابه مراقب و دلسوزی است که پیوسته در صدد جهت دادن افراد منحرف به سمت فطرت و طریقه حق می باشد.

۱۳-۶ - اصل بازسازی شخصیت: دین اسلام یکی از ادیانی است که به وحدت و یکپارچگی شخصیت معتقد است اسلام دین توحیدی بی نظیری است چرا که خداوند خالق یگانه و واحد است و خلقت او نیز براساس یک نظام یک پارچه و واحد است که هر عنصر این خلقت ضمن برخورداری از وحدت درونی به نوبه خود نقش مهمی در برپایی و هماهنگی خلقت دارد.

بهترین ارزش ها یکی جان و دیگری شخصیت انسان می باشد و هر دو بالاترین مسوولیت را برای آحاد امت اسلامی به همراه می آورد لذا هر فردی که تصمیم دارد قدم به جاده سلامتی بگذارد خطا و انحرافات گذشته او محو می شود و فعالیت های مثبت و کوشش در راه صحیح زندگی کردن گناهان گذشته را از بین می برد (قرآن کریم می فرماید: عمل صالح زشتی ها را از بین می برد) بنابراین شخصی که با دستورات فوق سلامت خود را باز یافته به مانند دیگر افراد جامعه ادامه حیات می دهد و با حرمت و ارزشمندی زندگی می کند و هیچ مسلمانی به خود اجازه کوچک ترین جسارت به او را نمی دهد زیرا او بازگشت به اصل خویش نموده و بر همه مسلمان ها واجب است برای او ارزش یک انسان کامل را قائل شوند (اقتباس از دایره المعارف اعتیاد، ۱۳۸۹).

فتوای علمای اسلام

الف- علمای شیعه: همه علما و بزرگان اسلام در رابطه با مواد مخدر، از همه جهات آن را حرام می دانند و بر هر کس واجب است از آن جلوگیری کند.

۱ - بیانات مرحوم حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره): « از بُعد انسانیت اگر مسأله اعتیاد را بررسی کنیم فی نفسه باید بگوییم انسان نمی تواند با مواد مخدر ارتباط داشته باشد، برای این که مستلزم خروج از انسانیت است. چیزی که اثرش این است که انسان را از بعد انسانیت محروم می کند، حال ولو فی الجمله، نمی تواند در شرع اسلام مجوزی داشته باشد لذا خیلی روشن است اعتیاد به تریاک و هرویین شرعا جایز نیست و حتی اگر کسی از حالا شروع کند و احتمال بدهد که این شروع به دنبالش مسأله اعتیاد باشد بهیچ وجه جایز نیست و در کل مصرف مواد مخدر اگر به منظور اعتیاد یا زمینه ای برای آن باشد جائز نیست ».

۲ - بیانات حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه: « اعتیاد به مواد مخدر حرام است، ضرر مرض آور است مصرف هرویین و نظیر آن حرام است و اعتیاد به تریاک^۱ جایز نیست و مقدمات آن هم جایز نیست و احتراز لازم است و غیر از آن ها مثل سیگار بستگی به مراتب ضرر آن دارد ».

۳ - بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دامت افاضاته: « بدون شک استعمال مواد مخدر یکی از محرّمات است که ادله مختلف شرعی بر حرمت قطعی آن دلالت داد و بر همه

مسلمانان واجب است که از این مواد پلید پرهیز و اجتناب کنند و فرزندان و بستگان و آشنایان خود را از آن ها شدیداً برحذر دارند حکم اسلام در این جا بسیار واضح است مواد مخدر به هر شکل و به هر صورت استعمالش حرام است».

۴ - **بیانات حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی دامت افاضاته:** «آدمی که بدن سالم ندارد، عقل سالم هم ندارد فکر و عقل صحیح، اقتصاد صحیح و فرهنگ صحیح همه و همه سلامت بدن و نشاط را لازم دارد و اعتیاد این ها را از فرد سلب می کند، درقرآن کریم هرچیزی که برای بدن مضر باشد حرام است این فرهنگ باید در جامعه جا بیافتد که چیزی که مضر است، حرام است و مواد مخدر برای بدن مضر است».

۵ - **بیانات حضرت آیت الله سبحانی:** «بنابر فتوای صریح آیت الله العظمی آقای بروجردی که کشیدن تریاک را حرام دانسته اند من هم آن را حرام می دانم چرا که هرچیز که یک نوع تخدیر باشد حرام است سیگار تخدیر است، تریاک تخدیر است، هروین تخدیر است و بالاتر از همه این ها عقل را نابود می کند و برای جسم و جان مضر می باشد».

۶ - **بیانات آیت الله طاهری خرم آبادی:** «از نظر شرعی و اسلامی ضرر زدن انسان به نفس خودش حرام است. حرام است انسان کاری بکند که به خودش یک ضرر جسمی وارد کند برای مثال دست خودش را قطع بکند، انگشت خودش را قطع بکند شرعاً، مواد مخدر از چیزهایی است که شخصی که استعمال و استفاده بکند به خودش ضرر می زند».

۷ - **بیانات آیت الله استادی:** «اعتیاد، گناه است و این با سایر گناه ها فرقی ندارد بلکه از بسیاری گناه ها بدتر است و شخص را تا آخر عمر بدبخت می کند و به نیستی می کشاند بنابراین باید از اعتیاد جلوگیری شود».

۸ - **بیانات آیت الله بدلا، امام جماعت و رئیس شورای ائمه جماعات و مدرس حوزه علمیه قم:** «اعتیاد جرم است و منشأ جرایم اعتیاد و فحشاء و این است که خیال می کند نمی تواند مرتکب آن ها نشود و آن ها را ترک کند و چیزی که باعث شیوع مواد مخدر است ناآگاهی است باید مردم را به مضرات آن آگاه کرد».

۹ - **بیانات آیت الله دیباجی، مدرس حوزه علمیه قم:** «بزرگترین گناه آن عملی است که فردی یا اجتماعی را آلوده بکند و انسانیت را از وجودش خارج بکند و ما می بینیم فرد معتاد از نظر عقل خودش را ساقط می کند از نظر شرع تولید کننده مواد مخدر و توزیع کننده و مصرف کننده آن بزرگ ترین مجرم است این اشخاص از همه گناه کاران بدترند زیرا نسل را فاسد می کنند».

۱۰ - **بیانات آیت الله مسعودی خمینی، نماینده مقام معظم رهبری درتولیت آستانه مقدس حضرت معصومه و مدرس حوزه علمیه قم:** «کلیه علما و بزرگان در رابطه با مواد مخدر، همه جهات آن را حرام می دانند و برهرکس واجب است از آن جلوگیری کند».

۱۱ - **بیانات حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای ایرانی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:** «از نظر شرع مقدس اسلام اعتیاد به مواد مخدر غیرمجاز و حرام است و بسیاری از مراجع به حرام

بودن آن تصریح کرده اند و حتی بعضی اسراف و تبذیر را از گناهان کبیره می دانند و از مصادیق روشن اسراف و تبذیر مسأله اعتیاد به مواد مخدر است.»

۱۲- **بیانات حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای دین پور، رئیس بنیاد نهج البلاغه و نماینده مقام رهبری در شبه قاره هند:** «معمولاً فقهای ما، مراجع صاحب تقلید رساله قائل به غیر مشروع بودن و حرام دانستن مواد مخدر می باشند. در فتاویٰ مرحوم آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت الله بروجرودی و مراجع تقلید معاصر حرام بودن مواد مخدر تصریح شده و اگر کسی مسلمان باشد و عرق دین داشته باشد مواد مخدر را حرام می داند و هیچ کس نمی تواند حرام الهی را حلال کند (پایگاه اطلاع رسانی پلیس، ۱۳۸۶).

ب- علمای اهل تسنن: علمای اهل سنت هم در کتاب های خود در باره ی این معضل مطالب ارزشمندی را ارائه کرده اند لذا ما برآنیم تا به اندازه وسع خود دیدگاه اهل سنت را در این مورد به طور اختصار بیان کنیم.

۱- **علمای اهل سنت نیز همانند علمای شیعه با مواد مخدر مخالفند.** برای مثال ابن حجر می گوید: «حشیش که یکی از مواد مخدر به شمار می آید از جمله مسکرات و حرام است (محمد بن اسماعیل الامیر الضعانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۵). بیشتر علمای اهل سنت می گویند: ام سلمه از پیامبر نقل کرده است: «آن حضرت از هر مسکر و مفتری نهی می کرد».

۲- **یوسف قرضاوی می گوید:** «و المخدرات من حشیش و افیون و غیرها مثل المسکرات فی حرمة تداولها و توزيعها» (خوردن و توزیع مخدرات مثل: حشیش و افیون هم چون مسکرات دیگر حرام است) (قرضاوی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۱). و نیز می گوید: «کل ما لابس العقل و أخرجه من طبعه الممیزة المدرکه... فهو خمر حرام حرمة الله و رسوله الی يوم القيامة» (هر چیزی که عقل را بپوشاند و آن را از طبیعت و قوه درکش خارج کند، خمر و حرام است، زیرا خدا و رسولش تا قیامت آن را حرام فرموده اند. مواد مخدر مانند خمر در عقل آثار منفی ای باقی می گذارد. به گونه ای که استعمال آن موجب می شود انسان دور را نزدیک و نزدیک را دور ببیند) (همان منبع، ۱۳۶۷، ص ۷۶).

۳- **هبة الله بن ابی محمد الحسن الموسوی، صاحب «المجموع» نیز به نقل از نووی در شرح المهدب نوشته است:** «کل ما یزیل العقل من غیر الاشره و الادویه کالبنج و هذه الحشیشه... فحکمه حکم الخمر فی التحريم» (آن چه از نوشیدنی ها و ادویه که عقل را زایل کند، مانند بنگ و حشیش... حکم آن مانند خمر، حرام است (موسوی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۸). برخی مفتر بودن این مواد را لحاظ کرده اند یعنی چون استعمال آن موجب سستی و ضعف می شود آن را حرام می دانند.

۴- **شیخ شلتوت می گوید:** اگر نصی هم نباشد، قانون دفع ضرر و سد ذرایع فساد به ما می گوید: «استفاده از مواد مخدر حرام است، زیرا ضرر بهداشتی، عقلی، روحی، تربیتی، اقتصادی و

اجتماعی آن از خمر بیشتر است».

۵ - مولوی خدا نظر نیز فتوا داده است: «استفاده از مواد مخدر از نظر شرع مقدس اسلام حرام و غیر مجاز است زیرا مضرات فراوانی دارد» (شلتوت، بی تا، الفتاوی، ص ۲۲۵، دارالعلوم زاهدان).

۶ - دمیاطی می گوید: علما، بیش از ۱۲۰ ضرر برای حشیش ذکر کرده اند، مانند: نسیان، سردرد، فساد عقل، سل، جذام، پسی، بی حیایی، ناجوانمردی و... «و من أعظم قبايحها أنه تنسی الشهادة عند الموت» (از بزرگ ترین زشتی های حشیش این است که موجب فراموش کردن شهادتین هنگام مرگ می شود) (دمیاطی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۷۷) و افیون بنگ نیز به حشیش ملحق است. سپس، شعری گفته است بدین مضمون: به کسی که حشیش می خورد بگو ای خسیس! تو زندگی بدی داشتی! دیه عقل کیسه ای پر از طلاست پس چرا آن را به حشیش فروختی؟

۷ - شیخ عبدالمجید سلیم مفتی مصر: «و کیف تیبح الشریعة الاسلامیة شیئا من هذه المخدرات التي یلمس ضررها البالغ بالامة أفرادا و جماعات مادیا و صحیا و أدیا؟ فتعاطی هذه المخدرات علی أی وجه من وجوه التعاطی من أكل أو شرب أو شم أو احتقان حرام» (چگونه اسلام مواد مخدر را مباح کند در حالی که ضررش به افراد و جامعه می رسد، اعم از آن که ضرر، بهداشتی یا مادی یا تربیتی باشد پس استفاده از آن به هر شکلی (خوردن، آشامیدن و بوئیدن) حرام است) (سابق، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۸۴).

۸ - احمد عطا نیز در وجه حرمت مواد مخدر و ضررهای آن می گوید: «إذا تفحصنا أحوال متعاطیها... وجدناه منسوخ الخلق بعد أن كان قویما، کثیر اللون بعد أن كان نقیا خاملا بعد أن كان نشطا... مائلا الی مجالسة الا سافل و الا راذل جامعا لاوباشهم فی بیهة... ساقط المروءة...» (وقتی حالات شخص معتاد به مواد را بررسی کنیم می بینیم خلقتش از آن که ثابت بود مسخ شده است و رنگش پس از آن که روشن و صاف بود تیره می شود و پس از آن که با نشاط بود سست می شود، به هم نشینی با اراذل میل دارد و اوباش را در خانه اش جمع می کند... مروتش نابود می شود و...) (عطا، بی تا، ص ۱۶۳).

نتیجه گیری:

از آن جا که حضرت امام خمینی (ره) منشأ و شالوده هرگونه حرکت و تحولی را در اجتماع «فرهنگ» می دیدند، بنابراین از نظر ایشان، مقوله فرهنگ عمومی، نحوه اصلاح و ابزارهای اصلاح آن، از جایگاه و اهمیت ممتازی برخوردار است که نمی توان و نباید از آن غافل شد. در جریان اصلاح فرهنگی، نه تنها اعتقاد داشتند که نباید اهمیت، قدرت و قابلیت فرهنگ اسلامی را دست کم گرفت بلکه باید مردم را در فرایند تحول فرهنگی وارد کرد. فرهنگ یک امر تحقق یافته است. فرهنگ یک جامعه، ناظر بر کیفیت موجود در آن جامعه است. واقعیتی است که اکنون در آن جامعه وجود دارد. همین ویژگی یکی از وجوه تمایز میان «فرهنگ» و «دین» یا «ایدئولوژی» می باشد. زیرا دین یک امر حقیقی ناظر به الگو و وضعیت مطلوب برای آدمی است حال آن که فرهنگ یک جامعه هیچ گاه کمال یافته مطلق و مطلوب نهایی نیست، بلکه همواره قابلیت تکامل دارد (به نقل از پایگاه حوزه، ۱۳۸۹). فرهنگ آموختنی است یعنی این که فرهنگ خصوصی غریزی یا ذاتی نیست و نمی توان آن را از راه زیستی به دیگران منتقل کرد. فرهنگ نظامی از گرایش هایی است که برای آشکار ساختن واکنش های انسان در سراسر زندگی پس از زاده شدن آموخته می شود. فرهنگ آموخته می شود یعنی این که در فراگرد آموزش و یادگیری انسان، به سبب برخورداری از عامل زبان، بر جانوران برتری نمایی دارد. از این رو زبان در پدید آوردن فرهنگ نقشی عمده دارد. فرهنگ، اجتماعی است یعنی این که عادت های فرهنگی نه تنها آموخته می شوند و در طول زمان به دیگران منتقل می شوند، بلکه ریشه های اجتماعی دارند و شماری از مردم که در گروه ها و جامعه زندگی می کنند در آن شریکند و بر پایه همین ریشه اجتماعی نوعی هم نواختی و هم گونی نسبی در آن به چشم می خورد. اعضای هر جامعه به یاری دستمایه های رسمی یا غیررسمی نظارت اجتماعی، بر یکدیگر فشار وارد می آورند تا معیارهای رفتاری را که درست و مناسب می پندارند، رعایت کنند.

فرهنگ «خشنودی» بخش است یعنی این که فرهنگ از عادت ها ساخته شده است و عادت ها تنها تا زمانی که خشنودی می آفرینند، پایدار می مانند. خشنودی و کامیابی، عادت ها را نیرو می بخشد و آن ها را پایدار می سازد و ناکامی ناگزیر به نابودی و از میان رفتن آن ها می انجامد. فرهنگ سازگاری پیدا می کند یعنی این که توان و ظرفیت نوزایی و سازگاری فرهنگ بر دوش اعضای آن فرهنگ نهاده شده است در همان حالی که برای پایداری و دوام فرهنگ، گروه یا دسته یا قوم ضرورت دارد، ولی این فرد یا افراد هستند که فرهنگ را با خود به پیش می برند و برپا بودن آن را استوار می دارند (طوسی، ۱۳۷۲، صص ۹-۶).

ماخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. آقابابایی، حسین (۱۳۸۴)، گفت‌وگوهای فقهی و جرم‌نگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت، مجله فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال دوم، تابستان، شماره ۵.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷)، من لایحضره الفقیه، ترجمه محمدجواد غفاری، تهران: نشر صدوق.
۴. احمدی ابهری، محمدعلی (۱۳۷۷)، اسلام و دفاع اجتماعی، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. بی‌نام (۱۳۸۸)، حکم مواد مخدر از دیدگاه اهل سنت چیست؟ به نقل از سایت مؤسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی.
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس (۱۳۸۶)، مواد مخدر از دیدگاه فقهای شیعه.
۷. پایگاه حوزه.
۸. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۳)، بایسته‌های تقنین، چاپ اول، قم: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر و زینالی، امیر حمزه (۱۳۸۴)، درآمدی بر برخی محدودیت‌های عملی جرم‌نگاری، نامه مفید مجله علمی پژوهش دانشگاه مفید سال یازدهم (شهریور)، شماره ۴۹.
۱۰. حجازی، فخرالدین (بی‌تا)، نقش پیامبران در تمدن انسان، با مقدمه مهدی بازرگان، چاپ دوم، تهران: بعثت.
۱۱. حکمت، علی اصغر (۱۳۷۱)، تاریخ ادیان: ادیان بدوی و متفرقه و حیه در جهان و در ایران از بدو تاریخ تا کنون، چاپ چهارم، تهران: ابن سینا.
۱۲. خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۳۶۹)، مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج، شرح... محمد الشربینی الخطیب... علی متن المنهاج لابی زکریا حبیب بن شرف النووی، قم: دار الذخائر.
۱۳. خودرو، محسن و همکاران (بی‌تا)، جامعه فرهنگ، انتشارات آرون.
۱۴. دایره المعارف اعتیاد.
۱۵. دمیاطی، شهاب الدین احمد (۱۳۸۰)، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر؛ وضع حواشی: انس مهره، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. دهقان، حمید (۱۳۷۶)، تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، چاپ اول، قم: موسسه انتشارات مدین.
۱۷. رستمی، ولی (۱۳۸۷)، جایگاه خاص برای نظارت بر پیش‌گیری از وقوع جرم ایجاد نکرده‌ایم، هم‌اندیشی اولین همایش ملی پیش‌گیری از وقوع جرم، به گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا.
۱۸. رسولی آذر، اصغر (۱۳۸۹)، پیش‌گیری از جرم.
۱۹. سابق، سید (۱۳۸۶)، فقه‌السنه، ترجمه محمود ابراهیمی، تهران: مردم‌سالاری.
۲۰. سلیم، شیخ عبد المجید (بی‌تا)، فقه السنه، ج ۲، ص ۳۸۳.
۲۱. شریعتمداری، علی (۱۳۶۹)، مقدمه روانشناسی، اصفهان: مشعل.
۲۲. شلتوت، محمود (۱۳۵۴)، الفتاوی: دراسه لمشکلات المسلم المعاصر حیاة الیومیه و العامه، چاپ هفدهم، قاهره: دار الشروق.
۲۳. شلتوت، محمود (بی‌تا)، الفتاوی: البکری الدمیاطی، اعانة الطالین، ج ۴، بیروت: دارالفکر.
۲۴. شلتوت، محمود (بی‌تا)، الفتاوی: المللی و المرام فی الاسلام، قاهره: دار الشروق.
۲۵. شمس‌ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۸۱)، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۶. شهرام (۱۳۸۷)، امنیت باید در چارچوب مبانی حقوق بشری شکل بگیرد نه با حذف آن، هم‌اندیشی اولین همایش ملی پیش‌گیری از وقوع جرم، به گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا.
۲۷. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۸)، الامالی - الارشاد - الاختصاص شیخ المفید، مشهد: مجموع البحوث الاسلامیه.
۲۸. شیخ نجفی، محمد حسن (بی‌تا)، جواهر الکلام: کتاب حدود، حد زنا، جلد ۴۱، باب هشتم قانون مجازات اسلامی از کتاب دوم با هفت ماده در خصوص جد سرق.

۲۹. شیر، عباس (۱۳۸۷)، مدل جدید پیش گیری از وقوع جرم در ایران در حال شکل گرفتن است، هم اندیشی اولین همایش ملی پیش گیری از وقوع جرم، به گزارش خبرنگار حقوقی ایستا.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۱)، تفسیر المیزان.
۳۱. طوسی، محمد علی (۱۳۷۲)، فرهنگ عمومی و فرهنگ سازمانی، چاپ اول، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۳۲. عباسی، سجاد (۱۳۸۵)، انواع جرم از حیث ماهیت آن. به نقل سایت بلاگفا.
۳۳. عطا، احمد (بی تا)، هذا حلال و هذا حرام.
۳۴. فرهنگ معین.
۳۵. قاسمی، عبدالله (۱۳۸۸)، نقش خانواده در پیش گیری از جرایم، پایگاه اطلاع رسانی جوان.
۳۶. قرشی، عاطفه (۱۳۸۷)، نقش امر به معروف و نهی از منکر در برقراری امنیت اجتماعی، به نقل از روزنامه کیهان (۱۳۸۷/۲/۳).
۳۷. قرضاوی، یوسف (۱۳۶۷)، المحال و الحرام فی الاسلام، علق علیه حسن محمد تقی الجواهری، تهران: منظمه الاعلام الاسلامی، معاونیه العلاقات الدولیه.
۳۸. قمی، شیخ عباس (بی تا)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار.
۳۹. کی نیا، مهدی (۱۳۸۲)، مبانی جرم شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۰. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۴)، گزارش جرم زدایی اروپا، ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی، چاپ اول، انتشارات سلسیل.
۴۱. لغت نامه دهخدا.
۴۲. ماوردی، علی بن محمد (۱۳۷۸)، الاقناع فی الفقه الشافعی، حقه و علق علیه خضر محمد خضر، تهران: دار احسان.
۴۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ هـ.ق)، بحار الانوار، بیروت: دار التراث العربی.
۴۴. محمد بن اسماعیل الامیر الضعانی (۱۳۷۹)، سبل السلام الموصله الی بلوغ العرام، حقه و خرج احادیثه و ضبط رصه محمد صبحی حسن حلاق، ریاض: دار ابن الجوزی.
۴۵. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۶)، مفهوم آزادی و نسبت آن با جرم انگاری، مجله علوم جنایی موسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (بهار و تابستان)، شماره ۱.
۴۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۷)، نقش دین در کاهش جرایم، به نقل از روزنامه کیهان (۱۳۸۷/۲/۱).
۴۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، فلسفه اخلاق، چاپ بیست و هشتم، تهران: صدرا.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، انسان در قرآن، چاپ بیست و دوم، قم: صدرا.
۴۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
۵۰. مظفری، بی نام (۱۳۸۹)، مجازات جایگزین حبس، فرصتی برای بازگشت یک محکوم به زندگی.
۵۱. مفتاح، محمد صالح (۱۳۸۷)، بایسته های پیش گیری از وقوع جرم به مثابه شیوهی ایصال به بهداشت قضایی در امور کیفری، به نقل از ویژه نامه ی همایش سراسری قوهی قضائیه.
۵۲. الملباری، الهندی (۱۴۱۸ هـ.ق)، فتح المعین، ج ۴، الطبعة الأولى، بیروت: دار الفکر.
۵۳. موسوی، هبه الله بن حسن (۱۳۷۶)، المجموع الرائق من اذهار الحدائق، تحقیق حسین درگاهی، تهران: وزارت الثقافه و الارشاد الاسلامیه، موسسه الطباعة والنشر: موسسه دائره المعارف الاسلامیه.
۵۴. ناس، جان بایر (۱۳۸۸)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: پیروز.
۵۵. نور محمدی، حسن (۱۳۸۸)، شناسایی آسیب های اجتماعی: علت یا معلول؟
۵۶. نوری، محدث (۱۴۱۵ هـ.ق)، مستدرک الوسائل، قم: تحقیق مؤسسه آلا لیت عليهم السلام لاحیاء التراث.
- نهیج البلاغه، فیض الاسلام.
۵۷. وایت، راب و هنیس، فیونا (۱۳۸۱)، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه میر روح الله صدیق بطحایی اصل، چاپ اول، تهران: نشر داد گستر.